

درخت خانه ما

انسیه موسویان



عنوان کتاب: درخت خانه ما
 سروده: محمود پور وهاب
 تصویرگر: هاله لادن
 ناشر: کانون پرورش فکری
 کودکان و نوجوانان
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴
 شمارگان: ۱۲۰۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۲۸ صفحه
 بها: ۱۲۰۰ تومان

ساده و قابل درک و فهم برای مخاطب. این همان مسئولیتی است که به نظر می‌رسد محمود پور وهاب در این کتاب، تا حدی از عهده آن برآمده است.

از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که سرودن چندین شعر با یک سوزنه خاص، دو وجه متفاوت دارد. جنبه مثبت آن، همان است که اگر شاعر با نگاهی تازه و خلاقانه به موضوع بنگرد و به قول سپهری «جور دیگر» ببیند، می‌تواند از همان موضوع خاص، دریچه‌های متعددی در مقابل دیدگان مخاطب بگشاید و همراه از زوایای گوناگون به تماشای موضوع بنشیند.

جنبه دیگر ماجرا نیز این است که به هر تقدیر، انتخاب یک پدیده یا موضوع خاص و الزام شاعر برای سرودن تمامی شعرها حول آن موضوع، خواه ناخواه ذهن او را محدود می‌کند و در چارچوب قرار می‌دهد. بحث بر سر این موضوع را به مجال دیگری موکول می‌کنیم و با این مقدمه کوتاه، به سراغ سروده‌های کتاب «درخت خانه ما» می‌رویم.

در این کتاب، «درخت» مرکز ثقل و محور تمام سروده‌هاست. این درخت که نوع آن هم مشخص نیست و به نظر می‌رسد شاعر در این نامعلوم بودن نوع درخت تعمدی داشته تا کلیت و جامعیت بیشتری به آن

بسیاری بر این باورند که شعر کودک، دچار کمبود مضمون و موضوع است؛ چرا که به دلیل حساسیت سرودن برای این طیف از مخاطبان شعر، طبیعتاً هر موضوعی را نمی‌توان در شعر کودک مطرح کرد و موضوع‌های مناسب نیز از فرط تکرار، دیگر خالی از لطف هستند.

اما اگر نگاهی به کتاب «درخت خانه ما» بیندازیم، اندکی در قطعیت این مدعا دچار تردید خواهیم شد. تمامی ۱۵ شعر این کتاب، درباره یک موضوع، یعنی «درخت خانه ما» سروده شده است.

توصیف طبیعت و پدیده‌های آن، از موضوع‌های همیشگی در شعر کودک بوده و هست. به دلیل نزدیکی روح لطیف و زلال کودکان به طبیعت، از دیرباز جلوه‌های طبیعت، دستمایه شاعران کودک برای سرودن شعر در این عرصه بوده است. درخت، باران، نسیم، ابر، گل، فصل‌ها، شب و روز و ماه و ستاره و... همواره در شعر شاعران به گونه‌های مختلف به تصویر درآمده‌اند؛ به گونه‌ای که گاه در این مسیر، شاعران به ورطه تقلید و تکرار افتاده‌اند.

حقیقتاً بسیار دشوار است که بتوان درباره یک موضوع و یک پدیده خاص و واحد، دست به سرودن زد؛ به گونه‌ای که این سروده‌ها، هم به معنای واقعی کلمه، «شعر» باشد، هم تازه و به دور از تقلید و تکرار و هم

بدهد و از محدود کردن آن پرهیز کند، در تمام شعرها حضوری شاخص، پرننگ و برجسته دارد.

در هر کدام از شعرها، مخاطب با یک دوره خاص از زندگی درخت آشنا می‌شود. شاعر به درخت شخصیت انسانی بخشیده است و بهار، تابستان، پاییز، زمستان و ... روزها و دوره‌های خاص زندگی او هستند که می‌آیند و می‌روند. شاعر دست مخاطب را می‌گیرد و با خود به سفری شاعرانه و خیال‌انگیز می‌برد و او را در حالت‌ها، احساسات، غم‌ها، شادی‌ها و دلواپسی‌های درخت، شریک می‌سازد.

تشخیص یا جاندار پنداری (Personification)، یکی از آرایه‌های ادبی است که در شعر کودک بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چرا که کودک با این صنعت ادبی، بیگانه نیست. او از آغاز زندگی، در بازی‌ها و گفت‌وگوهای روزمره‌اش، همواره به نوعی از تشخیص استفاده می‌کند. استفاده از این امکان شاعرانه، شعر را سرشار از تحرک و پویایی و زندگی می‌کند و در سروده‌هایی که شاعر از تشخیص سود می‌جوید، ما با اشیا و تصاویر بی‌تحرک و ساکن روبه‌رو نیستیم، بلکه زندگی و پویایی و حرکت در همه چیز و همه جا جریان دارد.

«درخت خانه ما» انسانی است با تمام حالات و احساسات و رفتار یک انسان. گاهی موهای بلندش را به دست باد پاییز می‌سپارد تا آن را بترشد:

صدا زد باد پاییز
منم، مو می‌تراشم
چه زیبا و چه راحت
سر و رو می‌تراشم

درخت خانه ما
سرش را زود خم کرد
سر پر موی او بود
شلوغ و درهم و زرد

صدایش زد: بفرما
بیا این موی زردم
بیخس ای باد، آن را
اگر شانه نکردم

(شعر باد پاییز)

گاه مثل یک انسان دلسوز و مهربان، برای جوجه کلاغی که در برف و سرما آشیانه‌ای گرم می‌جوید، دلواپس است:

درخت خانه ما
ندارد ذره‌ای مو
نشسته یک کلاغک
به روی کله او

کلاغک خورده سرما
کمی حالش خراب است
درخت و شاخه‌هایش

به دلیل نزدیکی روح لطیف و زلال کودکان به طبیعت، از دیرباز جلوه‌های طبیعت، دستمایه شاعران کودک برای سرودن شعر در این عرصه بوده است

برایش تختخواب است

کلاغک رفت، شاید
به سوی آشیانه
پر از دلواپسی شد
درخت خشک خانه

(شعر کلاغک)

گاهی درخت، در بارش قطره‌های باران، حمام می‌کند:

بین باریده باران
چه زیبا و چه آرام!
درخت خانه ما
دوباره کرده حمام

شده با این تمیزی
قشنگ و تازه و شاد
و حالا می‌کند خشک
سرش را حوله باد

(شعر حوله باد)

و گاه گرما و عطش داغ تابستان او را مثل یک انسان، تشنه و

بی‌تاب می‌کند:

چه تابستان داغی!
نسیمی نیست این جا
نخورده آبی امروز
درخت خانه ما!

درخت خانه هم کاش
کمی نوشیدنی داشت
دل او تازه می‌شد
به رویم خنده می‌کاشت!

(شعر نوشابه)

و در جای دیگر، درخت انسانی است که در فصل پاییز، موهای خود

را رنگ حنایی می‌زند:

رسید از راه پاییز

شاعر به درخت شخصیت انسانی بخشیده است
و بهار، تابستان، پاییز، زمستان و ...
روزها و دوره‌های خاص زندگی او هستند
که می‌آیند و می‌روند

درختم را صدا زد
بر آن موهای سبزش
کمی رنگ حنا زد
درختم عکس خود را
میان حوض مان دید
از آن موی حنایی
تکائی خورد و خندید

(شعر درخت موحنایی)

آرایه ادبی دیگری که شاعر از آن سود جسته، تشبیه است. تشبیهات در این اشعار، بسیار ساده و قابل فهم و در مسیر جریان طبیعی و روان شعر هستند. در این جا نمونه‌هایی از تشبیهات به کار رفته در این سروده-ها را مرور می‌کنیم:

(تشبیه برف به شال و کلاه برای درخت)

دوباره برف زیبا
شده شال و کلاهش
زمستان کرده بوشش
زمستان کرده ماهش

(شعر برف زیبا)

(تشبیه درخت و شاخه‌های آن به تختخواب)

کلاغخ خورده سرما
کمی حالش خراب است
درخت و شانهایش
برایش تختخواب است

(شعر کلاغخ)

تصویر شب و گنجشگ‌ها که به صورت دسته‌جمعی روی شاخه‌های درخت خوابیده‌اند، در یکی از شعرها با یک تشبیه ساده توصیف شده است:

بین گنجشکی گفت:
صفا و شادی این‌جاست
درخت سبز و زیبا
مسافرخانه ماست!

(شعر مسافرخانه)

تشبیه باد به حوله، در این ابیات:
شده با این تمیزی

قشنگ و تازه و شاد
و حالا می‌کند خشک
سرش را حوله باد!

خلاف تشبیهات ذکر شده که نو و زیبا بودند، یکی دو نمونه تشبیه دیگر در برخی از ابیات به چشم می‌خورد که چندان چنگی به دل نمی‌زند؛ مثل «گلیم سایه» و «نوشابه آب» در ادبیات ذیل:

درخت نازنینم
که هستی تشنه بی‌تاب
بین فکر تو هستم
بیا «نوشابه آب»

(شعر نوشابه)

درخت خانه ما
گلیم سایه دارد
به روی سایه خود
دو تا همسایه دارد

(شعر داماد و عروس)

همان‌گونه که اشاره شد، در تمام این سروده‌ها، درخت محور و مرکز توجه است. البته درخت در هیچ کدام از شعرها «تنها» نیست. همواره عناصری از طبیعت و محیط اطراف در ارتباط با او هستند. در واقع در هر شعر، درخت بهانه‌ای می‌شود تا شاعر با توسل به آن، به سراغ پدیده‌های دیگر طبیعت برود و ارتباط ساده، زنده، طبیعی و مسالمت‌آمیز آن را به عنوان جزئی از بی‌کراں هستی، با سایر اجزا و موجودات، به تصویر بکشد.

شعرها در نهایت سادگی سروده شده‌اند؛ بدون آن‌که شاعر دچار تکلف و یا زبان بازی‌های لفظی و یا توصیف‌ها و خیال‌انگیزی‌های پیچیده و دور از ذهن شود.

زبان پوره‌هاب در این کتاب، زبانی ساده و شفاف و کاملاً حسی است. عناصر و پدیده‌های موجود در شعرها، همگی از محیط پیرامون کودک گرفته شده‌اند و در محدوده شناخت و ادراک قرار دارند. اما در ورای تمام این تصاویر به ظاهر ساده، شاعر به صورت غیرمستقیم، به بیان مفاهیم عظیم و مهمی چون مرگ و زندگی می‌پردازد. گذشت زمان، رفت و آمد فصل‌ها، ریختن برگ درخت در پاییز و دوباره جوانه زدنش در فصل بهار و... کنایه‌ای است به مرگ و حیات آدمی که در قالب این تعابیر ساده بیان شده‌اند. گاه نیز می‌توانیم تصویر دوستی، عشق، غم، شادی و... را در آیینۀ این سروده‌ها به تماشا بنشینیم.

به هر تقدیر، کتاب «درخت خانه ما» با شعرهای ساده و روان و ظاهر زیبا و جذاب و تصویرگری هنرمندانه و فوق‌العاده‌اش و البته چاپ نفیس و شکیلش، در همان نگاه اول، روح و جان هر مخاطب با ذوق و علاقه‌مندی را به تماشا دعوت می‌کند تا لحظاتی در سایه سار «درخت» بنشیند و دل و روح تازه کند.

در پایان، می‌توان پرسید که چاپ کتاب‌های کودک، با چنین کیفیت و ظاهر زیبا که قطعاً بهای کتاب را افزایش می‌دهد، تا چه حد ضرورت دارد؟